

سرهای پُر صلابت مردان
یا قوت‌های خون شهیدان
الماس‌های چشم عزیزان باد!
چنگیز!

رخصتی!

رخصتی!

از رود خونِ ملتِ من اینک
(در کوچه‌های عاشق نیشابور)
آرام و

رام گذر کن!

اینک که همچو تیغ

برهنه و عریانم

و بر ستیغِ سرخِ سرودن

می‌رانم

فریاد می‌زنم

— «ایران!

ایران!

— ای اورشلیم ویران!

اینک که بغضِ بالغِ خشمم را

تا دشت‌های دور تو

شلیک می‌کنم

با ابرها بگوی!

با ابرها بگوی:

— «باران...

باران بیاران!»

ایران!

نبض وطنم را می‌گیرم / محمدعلی سپانلو

سپانلو، محمدعلی / نبض وطنم را می‌گیرم. - تهران: زمان، ۱۳۵۷، ۷۸ ص.
از محمدعلی سپانلو و شعر او به تفصیل در کتاب حاضر صحبت شده
است. اشعار این کتاب تفاوت بنیادینی با مجموعه‌های دیگر شاعر
نداشت. در اینجا به خواندن دو شعر از آن اکتفا می‌کنیم.

نبض وطنم را می‌گیرم
و گوش به حرکت درونش می‌بندم
آوای فئات‌های اعماقش را می‌شنوم
و گردش خون در دمنده‌اش را
با زمزمه‌های شب، به هم می‌پیوندم.

نبض وطنم را می‌گیرم
رقاصک بیقرار بی‌تاریخی
چون بانگ جرس به صبحدم می‌گوید
یک لحظه منتشر در او بیدار است
با قلب فقیر من تکاپو دارد
یک تن که دلیر است ولی بیمار است.

نبض وطنم را می‌گیرم، می‌شنوم
در مویری که از دلش رفته به سر
آواز قدیم کرجی‌بانی را
کو ناو به سوی زندگی می‌راند.
یک شط شراب، و اندرو زورق گل
چشمان زیرجد است بر جبهه او
سکان شکوفه در مه شرم و شراب

آواز نیازهای کوچک می خواند
(یادآوری حقایق روزانه)
تا باز شود شرع خورشیدی پیر
در شط کبیر.

نبض وطنم را می گیرم
ضربانش را می شمرم
و در کف شط «گنگ چا» راهنماست
آن گوهر شب چراغ کز قلبم
آویزی بی نگین به من بخشید.
بر پوست رود دست می سایم
— رودی که مقارن حیات و مرگ است —
با او زنده می شوم، در او می میرم
در دورترین نقاط تاریک زمان
نبض وطنم را می گیرم.

فردا، به ایران

درخت فردا گل می دهد
به آفتاب گذر می کند ستاره خواب
پرنده

در تالو آینه اش
قرینه می شود با مهتاب
اگر چنان که فردا هست
دگر زیاد مبر کشوری خیالی را
که می نوشتیمش در رؤیا
و او به سینه ما می شکفت

و نیمروز جوانی را
در مهمانسرایش
به خواب می رفتیم

اگر گذشته گذرگاهی است
که در مسیرش از امروز راه می جوید
و انعکاس ملولش را
در شیشه های ارسی
و مغرب بلوطی رنگ چای
به یاد می آریم
خوشا مرمت مهمانسرای عشق کهن!

اگر وطن نگاه شگفتی است بر شکفتگی منظر
اگر وطن فقط از دور در تصور می گنجد
خوشا درخت که در منظر خرب شکوفان شد
و کاربافک باران
به کارگاه عصب هایش

نخ حریر آویخت
خوشا درخت که در انزوای چشم انداز
به ریشه هایی ممکن اشاره دارد
و در نهایت

به ما شناسنامه معلومی می بخشد
و نام منتخبی
که از یگانه شدن

با جهان تازه
نخواهد گریخت

از قرق تا خروسخوان / سیاوش کسرائی

کسرائی، سیاوش / از قرق تا خروسخوان. - تهران: مازیار، ۱۳۵۷، ۴۰ ص.

سیاوش کسرائی تا آخرین روزهای انقلاب، گام به گام مبارزات انقلابی توده‌ها پیش می‌رود و در آخرین سروده‌هایش به روزمرگی دچار می‌شود و اشعاری می‌سراید که حتی در حوزه شعر متعهد هم کاربردی ندارد؛ چرا که توده مردم و انقلابیون در سال ۱۳۵۷، آرزوهای دیرین او را زندگی می‌کردند، و شعر او، دیگر نه پشتاز، بلکه دنباله‌رو مردم بود، و لذا دیگر جذابیتی و چندان بازتابی نداشت.

دو نمونه از این مجموعه اشعار را می‌خوانیم.

از قرق تا خروسخوان

شب ما چه باشکوه‌ست
وقتی که گلوله‌ها
آن را خالکوبی می‌کنند
و دل ما را
دل‌های مضطرب ما را
در دو سوی شب
بانگ الله اکبر
به هم وصل می‌کند.

شب ما چه باشکوه‌ست
وقتی که تاریکی
شهر را متحد می‌کند.
شب ما چه باشکوه‌ست

وقتی که دستی ناشناس

دری را

بر رهگذری مبارز

می گشاید و

شوق و تپش، در دالان

بازوی هم را می فشرنند.

شب ما چه با شکوه ست

وقتی که نظامیان

در محاصره چشمان شب زنده دارمان

اسیرند.

شب ما

چه غمگانه با شکوه ست

وقتی

که فریاد و ستاره

در آسمان گره می خورند

و بر بام ها، سایه ها

خاموشانه

ترجیمی ساده دارند.

از قُرُق

تا خروسخوان

شبروان

دل ما را در کوچه ها

چون مشعلی دست به دست

می گردانند

و خواب، بیهوده
بر فراز شهر، پرسه می زنند.

کشتگان
سحر را نمی بینند
اما
صبح، حتمی الوقوع است.

تهران، سحرگاه یازده آذر ۱۳۵۷

قصیده دراز راه رنج تا رستاخیز

از خانه بیرون زدم
تنها
که در خود نمی گنجیدم
چنان که جمعیت در خیابان و
خیابان در شهر
نه
دلکامه، حوصله دریا نداشت.

جانوری بودم
شاید ازدهائی
که دهانم
در کار بلعیدن «شهید» بود و
دُم
«پُل چوبی» را نوازش می کرد
های های
افسانه از واقعیت جان می گرفت.

هر گام
از هر گوشه شهر
بر راهی واحد می دويد
پاهاء، فرشى تازه مى بافت:
قالى تاريخ.

نوپائى و نوزبانى.
كالى در كردار
ورزش سبك بر آمدن
با هم آمدن
اما در مجموع
سَماع جادوئى اتحاد.

مزارع سياهپوش آدمى
با غنچه مُشت هاى سفيد و
سرود سرخ.
شهادت بر پرچم و
كينه
در شعر مى گرديد.
پيرى، در پياده رو مى گريست و
آينده
دست در دست پدر
يا بر سينه مادر
همراه مى آمد.

ديوارها

دفتر وقایع و آرزو بود و
آشنایه‌های خلق.

به صف می‌رفتیم که صف شدن را
به سالیان
توامان آموخته بودی:
هر سپیده‌دمان در صف تیرباران شدگان
به نیم شبان در صف زندانیان
به نیمروز در صف طویل ملاقات‌کنندگان
به شامگاهان در صف خواریار
و هرگاه و بیگاه در صف نفت.
و اینک صف در صف
برابر تو بودیم ای مردمی شکن!

توده تیره‌ای بودیم
خال کبود غم
بر گونه شهر
و در برابر دشمن سربی
کوره‌ای گداخته از خشم
نه تبری برای گشتن
نه تیری برای شکستن
اما گرمایی به کفایت برای ذوب کردن.

گرچه به سوکی عظیم
برخاسته بودیم
ولی حضور همگان

شادی آورده بود

شور آورده بود

در کربلای حاضر

حسین

نه مرثیه، که حماسه می خواست.

به کربلای تو آمدم

حسین!

نه بدان گذرگاه که اُمّتی اندک

با تو ماندند و

ماندگار شدند

با تو آمدم بدان مهلک

که معبر ملتّی است

و نه به دینِ تو

که به آئینِ تو

از سر صداقت

به شهادت.

با تو آمدم

تا عاشورا را به اعشار بَرَم

به عشرات بَرَم

تا این گلگونه را

درشت کنم

درشت تر کنم

و شنلی از خون برآرم

شایسته اندام مردمم.

در من بنگر حسین!

نفتگرم
 خدمتکارم
 آموزگارم
 طواف و باربرم
 قلمزن و اندیشه گرم
 نهال نازک اندوه نه
 درخت خون،
 از ریشه سهمگین حسرت.

در پیگیری ردّ خون، حسین!
 به کسان رسیدم
 به بسیاران
 تا شبم سرخ تو نیز
 بر من نشست و شکفتم
 و اینک
 راهی دراز بایدمان رفتن
 نه از پل به میدان
 و نه از مدینه به کوفه و کربلا
 راهی از رنج تا رستاخیز
 از ستمشاهی تا برادری.
 تنها رفتم و
 خلقی به خانه باز آمدم
 گندمی
 که در غلاف لاغر خویش
 خرمنی باز آورد.

دوزخ، اما سرد / مهدی اخوان ثالث

اخوان ثالث، مهدی (م. امید) / دوزخ، اما سرد. - تهران: توکا، ۱۳۵۷، ۱۰۹ ص.

این مجموعه اخوان ثالث نیز چون مجموعه‌های پیشین او، مُفخَّم و پرصلابت و استوار بود؛ و اگرچه اشعارش ارتباط چندانی به مسائل روز نداشت، اما از حسِ گرانِ شکست و اندوه - که از ویژگی‌های شعر او بود - بسیار کم شده بود؛ و حتی، درخششی از امید و طلوع نیز در پاره‌ئی از اشعارش دیده می‌شد.

اخوان ثالث، از نیمهٔ دوم دههٔ چهل به بعد، در پُر جنب و جوش‌ترین روزگاران شعر، نقش فعالی در پیشبرد شعر نو نداشت، ولی انتشار دوزخ اما سرد در سال ۵۷ نشان می‌داد که او هنوز در ردیف اول بزرگ‌ترین شاعران پس از کودتا قرار دارد.

شعر دوزخ اما سرد را از این مجموعه می‌خوانیم.

دوزخ، اما سرد

درآمد:

می‌دَمَد شبگیرِ فروردین و بیدارم.
باز شبگیریِ دگر، وز سالِ دیگر، باز.
باز یک آغاز...

گاهان:

در می‌انراهِ ایستاده، رفته و آینده را طومار می‌خوانم.
رفته و آینده گفتم، لیک
کس چه داند، من چه می‌دانم،
و ز کجا، که همچنانِ کِهَم رفته‌ای بوده‌ست،
همچنان آینده‌ای هم هست، خواهد بود؟

راستی، هان؟ باید این را از که پرسید؟ از کجا دانست؟
 کاین میآئراه ست، اینجائی که امروز ایستاده‌ام؟
 گرچه از بود و نبود رفته و آینده بیزارم.
 پرسم اما، از کجا بایست دانست این
 که چو فصلی رفته‌ها آینده‌ای هم پیش رو دارم؟
 یا نه، شاید اینکه پندارم میآئراهش
 فصلی آخر را

برگ‌های آخرین، یا باز هم کمتر،
 سطرهای آخرین، از برگ فرجام ست.
 بین لب‌هام این دم فرسوده نمناک
 واپسین نم، از پسین قطره‌ها، از جام انجام ست.
 آه...

... وگر آن ناخوانده مهمانی که ما را می‌برد با خویش،
 ناگهان از در درآید زود،

پس چه خواهد بود - می‌پرسم -
 سرنوشت آن عزیزانی که نام آرزویشان بود؟
 آرزوها، این به ما نزدیکتر، این خویشتر خویشان،
 پس چه باید کرد با ایشان؟
 بگذریم...

گر نگفتم، این بگویم نیز
 در میآئراه ایستاده‌ام،
 یا که در آخر، نمی‌دانم،
 لیکن این دانم که بی‌تردید
 قصه تا اینجاش، اینجائی که من خواندم
 قصه یهوده‌تر یهودگی‌ها بود.

لعنت آغازی، سراپا نکبتی منفور.
 گاهی شاید یکی رؤیائکی شیرین،
 بیشتر اما
 قالبِ کابوسِ گنگی خالی از مفهوم.
 بی هوا تصویرِ تاری، کارِ دستیِ کور،
 دوزخ، اما سرد
 وز بهشتِ آرزوها دور...

چون به اینجا می رسم، با خویش می گویم
 پس چه دانی؟ پس چه دانستن؟
 راستی که وحشت انگیزست
 نیز درد آلود و شرم آور.
 آه،

پس چه دانش، پس چه دانائی؟
 آنچه با علمِ تو بیگانه ست و نامعلوم
 گرگ - حتی گرگ - می داند
 که چه هنگامست آن هنگامه محتوم.
 و کناری می گزیند از قبیله ی خویش،
 در پناهی می خزد، وانگه به آرامی
 همچو خواب آلودگانِ مست، بی تشویش،
 می کشد سر در گریبانِ فراموشی،
 و فراموش می کند هستیش را در خوابِ مستیش...
 چون به اینجا می رسم، از خویش می پرسم
 همچو بسیاری که می دانم،
 من هم آیا راستی از مرگ می ترسم؟

برگشت:

ابرِ شبگیر بهاران سینه خالی کرد.
خیلِ خیلِ عقده‌ها را در گلو ترکاند.
و به هر کوچ و به هر منزل،
سیل سیل از دیده بیرون راند.
پرده را یکسو زدم، دیدم، ...

(چه دیدم، آه)

آسمان ترگونه بود و روشن و بشکوه.
صبح، اینک صبح بی‌همتای فروردین
می‌دمید از کوه.
آفتابش، این نخستین نوشخندِ سال،
طُره‌ای زرتار بر پیشانی پاک و بلندِ سال.

صبح، صبح، ای اؤرمزدی جام و قام ای صبح!
نوش بادت باده زین پاکیزه جام ای صبح!
با گل شاداب زَرین نوشخندت، جاودان بشکف
بر نگین تاج این فیروزه بام ای صبح!
بر تو ای بیدار دل، ای شاد، ای روشن
زین دل تاریکی غمگین صد سلام ای صبح!
غم مبادت گر نداری بهر من جز حسرت و حسرت
زنده دل مستانِ سرخوش را بپر هر روز
شادتر، فرخنده‌تر، خوشتر پیام ای صبح!

آخر بازی

سلسله پهلوی که به دنبال تمایلات تجدّدطلبانه و غربگرایانه
مشروطه‌خواهان، به نیروی رضاخان، در اردیبهشت ۱۳۰۵، حکومت

ایران را به دست گرفته بود، در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، با شعارهای سنتگرایانه مردم، ساقط شد.

سلسله پهلوی، پنجاه و دو سال بر ایران حکومت کرد. و در این مدت، تلاش خود را برای تغییر بنیادی ساخت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران به کار بست، ولی استبداد، حرص، قانون گریزی و دیگر فسادهای درونی خاندان پهلوی از یک سو، و بی تجربگی، قانون گریزی، آرمان زدگی، انکارگرایی و معضلات دیگر روشنفکران از دیگر سو، مانع تحوّل بنیادی در ساخت‌های مورد نظر شد.

اگرچه با رضاخان، ایران قدم به عرصه نوگرایی گذاشت، ولی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نشان داد که تحولات مدرنیستی دوره پهلوی، تحولی کیفی در جان و روح و فرهنگ ملت ایران (نه افراد) به وجود نیاورده بود؛ و مردم، در میان دو فرهنگ غربی و سنتی معلق ماندند، تا روزی که در میان هجومی ناگهانی و نامنتظر، به یکسوی روی آورده و با شعارهای سنتگرایانه حکومت پهلوی را ساقط کردند.

اما تجددگرایی به خواست نهضت مشروطیت، به تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی رسوخ کرده، و در مواردی دگرگونی بنیادینی به وجود آورده بود که از آنجمله بود تحول شعر و پیدایش شعر نو.

و شعر نو با طیف‌های وسیعش، آئینه تمام نمای تحولات اجتماعی ایران، از مقطع انقلاب تجدّدطلبانه مشروطه تا انقلاب سنتگرایی سال ۱۳۵۷ بوده است.

تاریخ تحولات شعر نو را، با شعری به نام «آخر بازی» از احمد شاملو به پایان می‌بریم؛ شعری که در روزهای آخر حکومت سلسله پهلوی سروده شد.

آخر بازی

عاشقان

سر شکسته گذشتند،

شرمسارِ ترانه‌های بی‌هنگام خویش.

و کوچه‌ها

بی‌زمزمه ماند و صدای پا.

سربازان

شکسته گذشتند،

خسته

بر اسیانِ تشریح،

و لته‌های بی‌رنگِ غروری

نگونسار

بر نیزه‌های‌شان.

تورا چه سود

فخر به فلک بر

فروختن

هنگامی که

هر غبارِ راهِ نفرین شده نفرینت می‌کند؟

تورا چه سود از باغ و درخت

که با یاس‌ها

به داس سخن گفته‌ای.

آنجا که قدم بر نهاده باشی

گیاه

از رستن تن می‌زند

چرا که تو
تقوای خاک و آب را
هرگز
باور نداشتی.

فغان! که سرگذشت ما
سرود بی اعتقادی سربازان تو بود
که از فتح قلعه روسیان
باز می آمدند.

باش تا نفرین شب از تو چه سازد
که مادران سیاهپوش
— داغداران زیباترین فرزندان آفتاب و باد —
هنوز از سجاده‌ها

سر بر نگرفته‌اند. ۱۵۶

۵۷/۱/۲۶

احمد شاملو

یادداشت‌ها

۱. این اصطلاح، عنوان تسخرآمیز کتاب مترجم ارزشمند، حسین اقدامی (حسین صدرائی اشکوری) بود.
۲. سرهنگ غلامرضا نجائی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ص ۳۵۰.
۳. همان، ص ۳۴۸.
۴. همان، ص ۳۵۰.
۵. همان، ص ۳۷۹.
۶. دکتر همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ج ۲، ص ۲۰۶.
۷. سیاست خارجی آمریکا و شاه، مارک. ج. گازیوروسکی، ترجمه فریدون فاطمی، ص ۳۱۹.
۸. سعید یوسف، نوعی از نقد بر نوعی از شعر، ص ۱۷۲.
۹. همان، صفحات ۲۸ و ۳۲.
۱۰. نوعی از نقد بر نوعی از شعر، صص ۵ - ۲۸.
۱۱. احمد شاملو، «پیش‌نویس مقدمه سخنرانی شاملو در دانشکده ادبیات تبریز»، جنگ ارک، تابستان ۱۳۴۹.
۱۲. «مصاحبه با خسرو گلسرخی»، چاپار، زمستان ۱۳۴۹.
۱۳. فصلی در هنر. مقدمه، پائیز ۱۳۴۹.
۱۴. خسرو گلسرخی. «گذر از میان کورانی داغ» [نقد بر حریق باد]، به نقل از: آخرین دفاع خسرو گلسرخی، اورنگ خضرائی، صص ۷۶ - ۸۷.
۱۵. م. ع. سپانلو. «مصیبت. مصیبت»، نقد بر «مصیبتی زیر آفتاب» از رضا براهنی، فردوسی، شماره ۱۰۲۱، تیرماه ۱۳۵۰.
۱۶. دکتر رضا براهنی. پاسخ به مقاله «مصیبت، مصیبت» از م. ع. سپانلو، فردوسی، شماره ۱۰۲۱.

۱۷. خسرو گلسرخی. «عشق و شوریدگی در شعر»، نقد بر «گل بر گستره ماه» از رضا براهنی، روزنامه آیندگان، ۱۱ خرداد ۱۳۴۹، شماره ۷۵۰.
۱۸. خسرو گلسرخی. «شاعری در کشاکش تضادها و دل‌بستگی‌های خویش»، نقد بر شعر اسماعیل خوئی، به نقل از آخرین دفاع خسرو گلسرخی، اورنگ خضرائی، صص ۸۴-۹۳.
۱۹. محمدحقوقی. «درباره شعر طاهره صفارزاده»، شعرنواز آغاز تا امروز، چ اول، ص ۵۶.
۲۰. خسرو گلسرخی. نقدی بر «جهان و روشنائی‌های غمناک» از علی باباچاهی، روزنامه آیندگان، شماره [؟]، سال ۱۳۴۹.
۲۱. ن. ک. به: کتاب حاضر، ج ۳، ص ۴۶۶.
۲۲. یدالله رؤیائی. اشاره به شعر سیروس مشفق، «عبور از شعر حجم»، بررسی کتاب، دوره جدید، شماره اول، بی‌تا.
۲۳. اسماعیل نوری‌علاء. «آیا زبان به فلسفه پیوسته است» نقد شعر منصور اوجی، از شعر تا قصه، دفتر ۳، شهریور ۱۳۴۹.
۲۴. نعمت میرزازاده (م. آرم). پایگاه شعر (شعر مقاومت، شعر تسلیم)، متن سخنرانی در دانشکده فنی دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۴۹.
۲۵. یدالله رؤیائی. «عبور از شعر حجم»، بررسی کتاب، دوره جدید، شماره اول، فروردین ۱۳۵۰.
۲۶. علی میرفطروس. جنگ سهند، مؤخره، ۱۳۵۰.
۲۷. کاظم سادات‌اشکوری. «شاعر از کوچه‌ها برمی‌خیزد»، چاپار، ش ۲، زمستان ۱۳۵۰.
۲۸. محمدرضا فشاهی. «شعر محکوم، شعر مغلوب»، چاپار، شماره دوم، زمستان ۱۳۵۰.
۲۹. علی مانک. «ادبیات تشریفاتی در جامعه بوروکراسی»، جنگ چاپار، شماره ۲، زمستان ۱۳۵۰.
۳۰. احمد شاملو. «نظم یا شعر»، فلک‌الافلاک، شماره اول، فروردین ۱۳۵۰.
۳۱. «گزارش شعر سال ۱۳۵۰»، رودکی، شماره ۶، نوروز ۱۳۵۱.
۳۲. بهاء‌الدین خرمشاهی. «خشم و خروش نجیبانه و اهورائی»، بررسی شعر «در کوچه‌باغ‌های نشابور» از شفیعی کدکنی، رودکی، شماره ۲۰، خرداد ۱۳۵۲.
۳۳. دکتر رضا براهنی. «یک مصاحبه» درباره شعر شفیعی کدکنی، طلا در مس، ج ۳، ص ۱۸۸۳.
۳۴. دکتر مصطفی رحیمی. «فضائی تهی در شعر امروز فارسی»، جهان نو، ج ۲۴، ش ۲، ۱۳۴۸.

۳۵. مصطفی رحیمی. «شکوه شکفتن»، بررسی «در کوچه‌باغ‌های نشابور» از شفیعی کدکنی، القبا، جلد دوم، آذر ۱۳۵۲.
۳۶. علی موسوی گرمارودی. «در کوچه‌باغ‌های نشابور» از شفیعی کدکنی، نگین، شماره ۹، سال هفتم، آبان ۱۳۵۱.
۳۷. دکتر رضا براهنی. «بررسی شعر منوچهر نیستانی»، فردوسی، ش ۷۲ و ۱۰۷۱. و همچنین «طلا در مس»، ج ۳.
۳۸. م. ع. سپانلو. «چهره عبوس و تودار یک ادیب نوپرداز»، فردوسی، شماره ۱۰۶۶، خرداد ۱۳۵۱.
۳۹. منوچهر نیستانی، «من متعلق به دیروز هستم»، تلاش، شماره ۷۹، اردیبهشت ۱۳۵۷.
۴۰. حسین منزوی. «یاد غروب و خانه، چه خوب، آه [نیستانی]»، رودکی، شماره ۵۶.
۴۱. «در خلوت عارفانه سراینده خراب [نیستانی]»، فردوسی، شماره ۱۰۶۸.
۴۲. م. ع. سپانلو. «چهره عبوس و تودار یک ادیب نوپرداز»، بررسی شعر منوچهر نیستانی، فردوسی، ش ۱۰۶۶، خرداد ۱۳۵۱.
۴۳. پرویز مهاجر. بررسی «رنگ آب‌ها» از بیژن جلالی، روزنامه آیندگان، ۲۳ شهریور ۱۳۵۱.
۴۴. نادر نادرپور. درباره «شعر بیژن جلالی»، سخن [ماهنامه]، دوره ۲۲، مهر ۱۳۵۱.
۴۵. منوچهر آتشی. درباره «رنگ آب‌ها»، دفتر شعر بیژن جلالی، رودکی، شماره ۸، خرداد ۱۳۵۱.
۴۶. محمدعلی سپانلو «شاعره‌ئی که به زبان خارجی چیز می‌نویسد» (نقدی بر مجموعه شعر طاهره صفارزاده)، فردوسی، شماره ۱۰۶۱.
۴۷. اسماعیل نوری‌علاء. «انسان - خدایان، معاصر» (پاسخی به محمد حقوقی در دفاع از احمد رضا احمدی و رد شعر طاهره صفارزاده)، فردوسی، شماره ۱۰۶۴.
۴۸. ضیاء موحد. «از دو دریچه به بیرون»، بررسی شعر احمد رضا احمدی در مقایسه با شعر طاهره صفارزاده، رودکی، شماره ۹، تیر ۱۳۵۱.
۴۹. دکتر رضا براهنی. «درباره شعر طاهره صفارزاده»، روزنامه اطلاعات، ۸ اسفند ۱۳۵۰، شماره ۱۳۷۳۴.
۵۰. دکتر رضا براهنی. «درباره شعر طاهره صفارزاده»، فردوسی، شماره ۱۰۶۸.
۵۱. م. آزاد. «شعری انباشته از اداهای روستفکرانه». [در شعر طاهره صفارزاده]، روزنامه کیهان، ۵ فروردین ۱۳۵۱.
۵۲. محمدرضا فشاهی. «نامه سرگشاده به طاهره صفارزاده»، در دفاع از مجموعه «سد و بازوان»، فردوسی، شماره ۱۰۶۵.
۵۳. همانجا.

۵۴. همانجا.
۵۵. محمد حقوقی. مقدمه اول کتاب سد و بازوان از طاهره صفارزاده، ۱۳۵۰.
۵۶. همان.
۵۷. حبیب ساهر. «مصاحبه درباره تقی رفعت و یحیی آرین‌پور»، کیهان (ویژه هنر و ادبیات)، شماره ۱۰۰۴۲ (۲۵ آذر ۱۳۵۵).
۵۸. سیاوش روزبهان [محمد مختاری]، «از صبا تا نیما»، جنگ صدا، زمستان ۱۳۵۱.
۵۹. دکتر رضا براهنی، «از صبا تا نیما»، روزنامه اطلاعات، ۱۵ فروردین ۱۳۵۱.
۶۰. منوچهر آتشی، «از صبا تا نیما»، تماشا، شماره مخصوص ۱۳ نوروز ۱۳۵۱.
۶۱. علی موسوی‌گرمارودی، «از صبا تا نیما»، نگین، اردیبهشت ۱۳۵۱.
۶۲. دکتر محمدرضا شفیعی‌کدکنی، «از صبا تا نیما»، کتاب امروز، خرداد ۱۳۵۱.
۶۳. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، «از صبا تا نیما»، راهنمای کتاب، مرداد و شهریور ۱۳۵۱.
۶۴. درباره کتاب واژه‌ها از شرف‌الدین خراسانی، رودکی، شماره دوم، شهریور ۱۳۵۰.
۶۵. ن. ک. به: روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۷۲۶، ۲۷ بهمن ۱۳۵۰.
۶۶. احمد شاملو. در دفاع از جایزه فروغ فرخزاد، روزنامه اطلاعات، اسفند ۱۳۵۰.
۶۷. روزنامه اطلاعات، شماره ۱۴۰۳۳، ۳ اسفند ۱۳۵۱.
۶۸. سید علی صالحی. درباره جایزه فروغ در سال ۱۳۵۶، بنیاد، ویژه نوروز ۱۳۵۷.
۶۹. خسرو گل‌سرخی. «ادبیات و توده»، کتاب امسال (کتاب جدید)، شماره اول، تابستان ۱۳۵۱.
۷۰. ناصر پورقمری، شعر و سیاست و سخنی درباره ادبیات ملتزم، صص ۵ و ۷۶.
۷۱. دکتر رضا براهنی. «جدید و جوان»، فردوسی، شماره‌های ۹ و ۱۰۶۸.
۷۲. م. آزاد. «شاعران ما در لحظه کمال مرده‌اند»، کیهان (هنر و اندیشه)، شماره ۸۸۲۳، پنجشنبه، ۱۶ آذر ۱۳۵۱.
۷۳. محمدرضا فشاهی. «رواج و اشاعه رماتیسم سیاه...»، شماره ۱۰۶۹، فردوسی، ۵ تیر ۱۳۵۱.
۷۴. حسین مهری. «خونی از این برهوت باز گردد»، روزنامه آیندگان، شماره ۱۴۹۴، پنجشنبه، ۱۹ آذر ۱۳۵۱.
۷۵. ن. ک. به: روزنامه اطلاعات، شماره ۱۴۳۳۲، ۲۷ بهمن ۱۳۵۲.
۷۶. شهرام شاهرختاش. «چرا شاعران جوان را تخطئه می‌کنند». فردوسی، شماره ۱۱۴۳، آذر ۱۳۵۲.
۷۷. علی باباچاهی. «حضور شعر امروز در ابعاد گسترده‌تری ادامه دارد»، فردوسی، شماره ۱۱۴۳، آذر ۱۳۵۲.

۷۸. اسماعیل نوری علاء. «کارگاه شعر»، فردوسی، شماره ۱۱۳، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۲.
۷۹. اسماعیل نوری علاء. «کارگاه شعر»، مجله فردوسی، دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۵۲.
۸۰. اسماعیل نوری علاء. «مشخصات شعر تجسمی یا شعر پلاستیک»، فردوسی، شماره ۱۱۲۱، ۲۵ تیر ۱۳۵۲.
۸۱. احمد سمیعی. «پیچیدن در شعرنو و در فن او»، کتاب امروز، بهار ۱۳۵۲.
۸۲. بهاءالدین خرمشاهی. «نقدی بر شعرنو از آغاز تا امروز»، کتاب پیام، بهار ۱۳۵۲.
۸۳. علی موسوی گرمارودی. «در کوچه باغ های نشابور»، نگین، سال هفتم، شماره ۹، آبان ۱۳۵۱.
۸۴. ایرج مهدیان، مختصری درباره هنر، مقدمه کتاب، ۱۳۵۱.
۸۵. سیاست شعر، سیاست هنر، خسرو گل سرخی، [بی نا] چاپ دوم، شهریور ۱۳۵۷.
۸۶. شب های شعر انستیتو گونه، فردوسی، شماره ۱۰۸۵، ۲۴ مهر ۱۳۵۱.
۸۷. ناصر پورقمی، شعر و سیاست، صص ۶ و ۷.
۸۸. احمد شاملو. «سخنرانی احمد شاملو به هنگام دریافت جایزه فروغ»، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۴۰۳۳، ۳ اسفند ۱۳۵۱.
۸۹. ن. ک. به: روزنامه اطلاعات، شماره ۱۴۳۳۲، ۲۷ بهمن ۱۳۵۲.
۹۰. دکتر رضا براهنی، «تأملاتی پیرامون شعر و هنر»، نگین، تیر ۱۳۵۸؛ همچنین نگاه کنید به: طلا در مس، ج ۲، ص ۱۰۸۷.
۹۱. سعید یوسف. «شاملو و سیاهکل»، نوحی از نقد بر نوحی از شعر، صص ۲۸ - ۳۵.
۹۲. بهاءالدین خرمشاهی. «ابراهیم در آتش» [بررسی شعر احمد شاملو] الفبا، جلد دوم، آذر ۱۳۵۲.
۹۳. م. آزاد. با من طلوع کن، (موخره)، ۱۳۵۲.
۹۴. شهرام شاهرختاش. «نقدی بر چهار مجموعه م. آزاد»، رودکی، شماره ۶، شهریور ۱۳۵۵.
۹۵. عبدالعلی دستغیب. «ارزیابی آثار یک شاعر امروز [محمدعلی سپانلو]»، فردوسی، شماره های ۵، ۴، ۱۰۸۳ - ۱۰، ۱۸، و ۲۶ مهر ۱۳۵۱.
۹۶. ولی الله درودیان. بررسی مجموعه شعر «دشت ناامید»، از نگین، سال ۱۱، شماره ۱۲۸، دی ۱۳۵۴.
۹۷. اسماعیل نوری علاء. «در جست و جوی هویت شعر تجسمی»، فردوسی، شماره ۱۱۲۱، ۲۵ تیر ۱۳۵۲.
۹۸. نصیر نصیری. فردوسی، شماره ۱۱۲۲.
۹۹. طاهره باره‌ئی و سعید الماسی. فردوسی، شماره ۱۱۲۴.
۱۰۰. فریدون فریاد. فردوسی، شماره ۱۱۲۶.
۱۰۱. شاهرخ آل مذکور و عزیز ترسه. فردوسی، شماره ۱۱۲۸.

۱۰۲. شهریار مالکی. فردوسی، شماره ۱۱۳۶.
۱۰۳. میرزا آقا عسکری. فردوسی. شماره ۱۱۴۲.
۱۰۴. محسن مهدی‌هزاره. فردوسی، شماره ۱۱۴۵.
۱۰۵. مهدی علی‌مانی. فردوسی، شماره ۱۱۴۹.
۱۰۶. منوچهر نیکو. فردوسی، شماره ۱۱۵۱.
۱۰۷. علی کرم‌عبدلی. فردوسی، شماره ۱۱۵۳.
۱۰۸. «شب‌های شعر، بزم آلمانی؟» (مختصری حواشی درباره شب‌های شعر انستیتو گونه)، فردوسی، شماره ۱۱۳۵، ۳۰ مهر ۱۳۵۲.
۱۰۹. «شب‌های شعر، شعرای امروز»، فردوسی، شماره ۱۱۳۶، ۷ آبان ۱۳۵۲.
۱۱۰. عباس پهلوان. «دریغی دیگر. در مرگ هوشنگ ایرانی»، فردوسی، شماره ۱۱۲۹، ۱۹ شهریور ۱۳۵۲.
۱۱۱. ن. ک. به: کتاب حاضر، ج ۳، صص ۲-۳۳.
۱۱۲. «آخرین دفاع خسرو گل‌سرخی»، گردآورنده بزرگ خضرائی، انتشارات آرمان، سال ۱۳۵۹، ص ۴. همچنین نگاه کنید به: «ای سرزمین من»، اشعار خسرو گل‌سرخی، به کوشش کاوه گوهرین، تهران، نگاه، ۱۳۷۳، ۱۴۴ ص.
۱۱۳. رضا براهنی. «مرگ شاعر». ظل‌الله، ص ۶۵.
۱۱۴. همان، ص ۶۶.
۱۱۵. وقت سکوت نیست، شبان بزرگ امید [سیاوش کسرائی]، ص ۱۰۴.
۱۱۶. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ص ۵۴۸.
۱۱۷. همان، ص ۵۴۹.
۱۱۸. همانجا.
۱۱۹. رضا براهنی، ظل‌الله، (مقدمه)، ۱۳۵۴.
۱۲۰. احسان طبری. «مقدمه»، به سرخی آتش، به طعم دود، [سیاوش کسرائی]، ۱۳۵۴.
۱۲۱. «چرا شعرخوانی را جدی نمی‌گیرند؟»، کیهان (ویژه هنر و ادبیات)، شماره ۱۰۰۳۰، ۱۰ آذر ۱۳۵۵.
۱۲۲. جلال سرفراز. (مصاحبه)، «عمر بیشتر شعرهای امروز حداکثر دو هفته است»، کیهان، اول آذر ۱۳۵۵.
۱۲۳. محمد حقوقی. «پنج‌جاه درصد شعرهای امروز تعریف شعر را ندارند»، کیهان (ویژه هنر و ادبیات)، ۲۶ اسفند ۱۳۵۵.
۱۲۴. جلال سرفراز. «فاتحه خبلی از شعرای ایران خوانده است»، کیهان (ویژه هنر و ادبیات)، ۷ مرداد ۱۳۵۵.
۱۲۵. همچنین نگاه کنید به: «شعر از چشم سوم»، فرامرز سلیمانی، بنیاد، شماره ۲۰، آبان ۱۳۵۷.

۱۲۶. منوچهر آتشی. درباره شعر آریا آریاپور، هفته‌نامه تماشا، شماره ۳۰۳، ۱۴ اسفند ۱۳۵۵.
۱۲۷. سه شعر از آریا آریاپور؛ تماشا، شماره ۳۰۳، ۱۴ اسفند ۱۳۵۵. همچنین نگاه کنید به: تماشا، شماره ۳۶۹، ۳ تیر ۱۳۵۶.
۱۲۸. منوچهر آتشی. «به جست‌وجوی کلید جادو» یادداشتی بر (اشعار سید علی صالحی و یار محمد اسدپور)، تماشا، شماره ۳۲۵، ۲۴ مرداد ۱۳۵۶.
۱۲۹. منوچهر آتشی. «تاریک از خلوص بر تربت حرف‌ها، یادداشت‌هایی بر شعر هرمز علی‌پور»، تماشا، شماره‌های خرداد و مهر ۱۳۵۶ و مرداد ۱۳۵۷.
۱۳۰. منوچهر آتشی. «خطی میان ماه و غزل»، «یادداشت‌هایی بر شعر فیروزه میزانی»، تماشا، ۲۶ تیر ۱۳۵۵؛ ۲۵ تیر ۱۳۵۶؛ ۴ تیر ۱۳۵۷. همچنین می‌توانید نگاه کنید به: «شعر از چشم سوم»، فرامرز سلیمانی.
۱۳۱. منوچهر آتشی. «درباره شعر سیروس رادمنش»، تماشا، شماره ۳۷۲، ۳۱ تیر ۱۳۵۷.
۱۳۲. سید علی صالحی. «درباره جایزه فروغ در سال ۱۳۵۶»، بنیاد، ویژه نرروز ۱۳۵۷.
۱۳۳. پرویز مهاجر. «نکته‌ئی بر نیما»، القبا، ج ۶، اردیبهشت ۱۳۵۶.
۱۳۴. انزلی نژاد، رضا. «[شعر شفیع کدکنی] نقطه عطفی مبارک در شعر معاصر ایران»، تگین، شماره ۱۶۱، مهر ۱۳۵۷.
۱۳۵. سعید یوسف، «درباره شعر اسماعیل خوئی»، نوهی از نقد، بر نوهی از شعر، ص ۲۰.
۱۳۶. محمود معتقدی. «اسماعیل خوئی شاعری از دیار طبیعت»، بنیاد، اسفند ۱۳۵۶.
۱۳۷. شهرام شاه‌رختاش. «شعر اسماعیل خوئی»، بنیاد، شماره ۱۰، دیماه ۱۳۵۶.
۱۳۸. فریده حسن‌زاده. «ضد نقدی بر یک نقد»، بنیاد، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۵۶.
۱۳۹. ضیاء موحد. «از دو دریچه به بیرون (بررسی شعر احمد رضا احمدی در مقایسه با شعر طاهره صفارزاده)»، رودکی، شماره ۹، تیر ۱۳۵۱.
۱۴۰. سید علی صالحی. نقدی بر سفر پنجم از طاهره صفارزاده، بنیاد، شماره ۱۷، سال ۱۳۵۷.
۱۴۱. دکتر علی محمد حق‌شناس. «راهی که با «سفر پنجم» در شعر امروز آغاز می‌شود». روزنامه کیهان، شماره ۱۰۴۰۹، ۱۷ اسفند ۱۳۵۶.
۱۴۲. سید علی صالحی. نقد بر «پرواز در مه» از جواد مجابی، بنیاد، شماره ۱۴، اردیبهشت ۱۳۵۷.
۱۴۳. سید علی صالحی. «درباره ایستگاه بین راه»، بنیاد، شماره ۱۵، خرداد ۱۳۵۷.
۱۴۴. احمد شاملو. «درباره عظیم خلیلی»، خوشه، شماره ۳۰، مهر ۱۳۴۶.
۱۴۵. فرامرز سلیمانی. «شعر از چشم سوم، بررسی اشعار محمد مختاری» بنیاد، شماره ۴۰، آبان ۱۳۵۷.
۱۴۶. هاینس. ه. بکر. رئیس انجمن انستیتو گوته. خوشامدگونی در ده شب، ۱۳۵۶.

۱۴۷. مهندس رحمت‌الله مراغه‌ئی، «متن افتتاحیه» ده شب.
۱۴۸. دکتر منوچهر هزارخانی، «قیم و مرشد آزادی»، ده شب، صص ۵۹-۶۲.
۱۴۹. شمس آل‌احمد، ده شب، صص ۱۱۷-۱۱۹.
۱۵۰. بهرام بیضائی، «در موقعیت تئاتر و سینما»، ده شب، صص ۱۲۰-۱۲۵.
۱۵۱. باقر مؤمنی، «سانسور و عوارض ناشی از آن»، ده شب، صص ۲۵۳-۲۶۵.
۱۵۲. سعید سلطان‌پور، متن سخنرانی، ده شب، صص ۲۶۶-۲۹۷.
۱۵۳. مصطفی رحیمی، «فرهنگ و دیوان»، ده شب، صص ۴۷۳-۴۷۸.
۱۵۴. باقر پرهام، «فضای حرف و فضای عمل»، ده شب، صص ۵۵۱-۵۵۶.
۱۵۵. هوشنگ گلشیری، «پیام»، ده شب، صص ۶۹۲-۶۹۴.
۱۵۶. احمد شاملو، «آخر بازی»، ترانه‌های کوچک غربت، ص ۲۱.

فهرست راهنما

- آئینه در باد ۲۳۵
آبستره ۳۶
آبشارهای آفتاب ۴۵۵
آبشوران ۵۱۲
آبناز ۴۱
آبنوس ۱۵۲، ۲۰
آب‌های خسته ۴۱
آبی ۴۲
آبی، خاکستری، سیاه ۲۵
آبی رنگ ۱۴۴
آتروپات ۴۲
آتش ۳۶۶-۳۶۳، ۳۴۹، ۳۲۶
آتش و آب ۳۲۶
آتشی، منوچهر ۱۰، ۳۰، ۵۹، ۹۴، ۱۵۰، ۱۷۱، ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۰۰، ۲۱۶، ۲۵۴، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۷۲، ۳۷۳، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۸، ۴۴۱، ۴۴۷
آخر شاهنامه ۳۷
آخرین دفاع (شعر، نقد، ترجمه) ۵۳۹
آخمتوا، آنا ۲۹
آدا ۵۳۹
آدمیت ۵۰۸، ۵۳۲، ۵۳۳
آدیش، م. (و) کوه‌زاد ۱۸۰
آدیش، هور ۳۹۸
آذر، ع. ا. ۳۲۶
آذری، محمد ۱۸۰
آراگون، لوئی ۱۶۸، ۳۰
آرش ۱۷۸
آرش (کتاب رز) ۱۵۲
آرش کمانگیر ۵۱۲
آرمسترانگ، لوئی ۱۷۹
آرمین، سیروس ۵۳۵
آریاپور، آریا ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۴۱
آریان‌پور، امیرحسین ۲۰، ۳۰، ۵۳۲
آرین‌پور، یحیی ۱۵۱، ۱۸۲، ۲۵۳، ۲۷۳، ۲۵۴
آزاد - مشرف آزادتهرانی، محمود
آزادوش، ر. ۱۸۰
آزادی‌ور، هوشنگ ۲۷۶
آستیم، م. ف. ۳۰

- آسمانگرد زمینگیر ۳۲۶
آشوری، داریوش ۵۲۸، ۵۲۹
آقاسی، داراب ۳۹۸، ۵۳۵
آل احمد، جلال ۲۰، ۴۳، ۷۶، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۶۵، ۲۵۶، ۲۷۶، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۴۷، ۵۱۱، ۵۳۲، ۵۳۳
آل احمد، شمس ۵۱۰، ۵۱۶
آل اسحاق، کیانوش ۵۳۵
آلبرتی، رافائل ۳۰
آلمان ۴۱۴، ۴۱۵، ۵۳۹
آل مذکور، شاهرخ ۳۶۸
آمریکا ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، ۸۳، ۲۲۱، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۲
آموختن برای زیستن ۴۱۴
آموزگاران ۵۲۱
آمیروزا ۵۱۱
آن سوی چشم انداز ۱۸۱، ۱۸۴، ۲۲۴، ۲۲۵
آن سوی فاصله ها ۵۳۸
آواز پر جبرئیل ۱۹۳
آواز خروسان جوان ۵۳۶
آواز عاشقان قدیمی ۲۷۸، ۲۸۹، ۳۰۰
آواز قناری تنها ۲۷۷، ۲۹۵
آوازهای بند ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۳۷، ۵۴۱
آوازهای تبعیدی ۵۳۸، ۵۴۹
آوازهای جنگلی باد ۴۱
آوازهای خسته پرواز ۴۱۴
آوازهای کوه و درو دشت ۵۳۸
آوا، ع ۱۵۳
آهنگ بال بال رهائی ۵۳۷
آهوان باغ ۴۰۱
آی بانوام ۴۵۵
آیت الله خمینی ۱۴
آی میقات نشین ۲۷۷
آیندگان ۵۹، ۶۰، ۱۴۷، ۲۵۸، ۲۸۱، ۳۷۶
آینه در باد ۱۸۱
ا. بامداد - شاملو، احمد
ابتهاج، هوشنگ (ه. ا. سایه) ۱۵۰، ۲۷۶، ۳۰۷، ۵۱۵
ابجد ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹
ابراهام، کارل ۱۷۹
ابراهیم، ابراهیم ۵۳۶
ابراهیم پور ۴۲
ابراهیم در آتش ۱۵، ۱۹۳، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۴
ابراهیمی، احمد ۲۷۷
ابر باران بار ۳۹۱
ابر و گون های سوگوار ۱۸۱
ابلق ۱۸۱
ابوریحان بیرونی ۲۵۷
ابوشکور بلخی ۱۳۴
آینی ۵۳۶
اتاقی در حومه ها ۴۵۳
احمدزاده، مسعود ۴، ۵
احمد هاشم ۴۰۱

- احمدی، احمد رضا ۱۰، ۱۰۵، ۱۸۰، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۹، ۲۲۰، ۳۰۷، ۳۷۶
- اخوان ثالث، مهدی (م. امید) ۱۸، ۱۹، ۳۹، ۵۹، ۶۰، ۷۰، ۷۲، ۸۵، ۱۰۶، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۹-۲۰۱، ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۱، ۳۰۷، ۳۰۸، ۴۰۱، ۴۲۸، ۴۶۲، ۵۰۳، ۵۰۷، ۵۱۱، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۶۷
- ادوار شعر فارسی ۳۲۸
- ارتفاع در تلفخ ۳۲۷
- اردبیلی، بهرام ۴۲، ۱۴۷، ۱۴۸
- اردلان، فریدون ۴۱۴
- ارزش احساسات ۲۷۸
- ارغنون ۴۰، ۱۲۲
- ارخوانی ۵۳۶
- ارک ۲۰، ۲۵، ۲۹
- از آسمان و ریسمان ۴۵۴
- از این سوی دیوار ۵۳۸
- از این ولایت ۵۱۲
- از بودن و سرودن ۴۵۳، ۴۵۹
- از پنجره به قُرم شهرها ۳۲۷، ۳۴۹، ۳۶۰
- از نهی سرشار ۴۱۵
- از خاموشی ۴۵۴
- از خانه تا میخانه ۴۱
- از دم صبح ۴۱۴، ۴۲۱، ۴۲۲
- از زیان برگ ۷۶
- از سرزمین آینه و سنگ ۴۵۳
- از شرق خون ۵۳۶
- از شعر تا قصه ۲۰، ۲۵۸
- از شکنج فریاد جمال ۵۳۹
- از صبا تا نیما ۱۵۱، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۵، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۷۲
- از صدای سخن عشق ۴۰، ۵۹، ۶۷، ۶۹، ۷۴، ۷۵
- از غربت و عشق ۴۵۴
- از قرق تا خروسخوان ۵۳۸، ۵۶۰
- از کوچه تا گل سرخ ۱۸۲
- از لحظه تا یقین ۱۸۰
- از نسل آفتاب ۳۲۶، ۳۴۹
- از نهایت شب ۱۸۱
- ازین اوستا ۵۱۱
- اسپات، زیگموند ۱۷۹
- استمپل، جان ۷
- اسدپور، یارمحمد ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۶
- اسدیان، محمد ۵۳۵
- اسدی طوسی ۱۳۴
- اسدی، مینا ۱۸۰، ۱۸۳، ۲۲۸، ۳۷۴
- اسرار التوحید ۳۴۰
- اسکوئی، مرضیه ۷
- اسکوئی، مهین ۲۵۹
- اسلامپور، پرویز ۳۹، ۴۲، ۱۴۷، ۱۴۸، ۴۳۲
- اسلام و آبی تازه اش باید ۳۹۸
- اسلامی، نعمت الله ۳۹، ۱۱۶، ۱۱۹
- اسیر آزادی بخش ۵۳۸

- اسیر خاک ۵۱۱
 اشتراخ ۲۵۸، ۱۵۲، ۲۰
 اشراقی ۵۳۷، ۲۷۷
 اشعار تجسمی ۴۲۷
 اشعار چریکی ۱۵
 اصلاحات ارضی ۱۱
 اصلانیان، اصلان ۵۳۶، ۱۸۰
 اصلانی، محمدرضا ۵۳۵، ۴۵۳، ۳۹۸
 اضطراب در کعب دیواره‌های شیشه‌نی ۴۰، ۱۱۶، ۱۲۲
 اطراق در پشت دیوارهای کوتاه ۴۱
 اطلاعات ۱۴، ۱۴۷، ۱۵۱، ۲۵۴، ۲۵۸، ۳۷۶
 اعتمادزاده، محمود (م. ا. به‌آذین) ۵۰۸، ۵۱۱، ۵۳۰، ۵۳۳
 افراسیابی، امیرحسین ۳۹
 افریقای جنوبی ۴۰۳
 افسانه نیما ۱۸۵
 افغان‌ها ۵۱۵
 افق روشن ۳۹۸
 البیاتی، عبدالوهاب ۴۱۴
 الساتریوله ۱۶۸
 الفبا ۴۵۱، ۳۹۰، ۳۳۰، ۳۲۲، ۳۲۱
 الف. ل. م. ۱۲۴، ۱۱۶، ۴۲
 العاسی، سعید ۳۶۹، ۳۶۸
 الوار، پل ۱۹۸، ۱۶۸
 الهی، اصغر ۲۵۹
 الهی، بیژن ۱۸۰، ۱۴۸، ۱۴۷، ۴۲
 الیوت، ت. اس. ۴۰۱، ۲۲۱، ۱۶۸
 امروز چه کسی می‌تواند شاعر باشد ۴۲
 امریکای لاتین ۱۹۹
 امسال ۲۵۹، ۲۵۸
 امیرشاهی، شهرآشوب ۳۰
 امیری، فاروق ۵۱۰، ۳۶۹، ۳۹
 امین، بهمن ۳۹
 امینی‌لاهیجی (م. راما)، محمد ۷، ۱۰، ۲۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۳۲۳، ۳۲۴
 امینی (مفتون)، یدالله ۵۱۵، ۳۰۷، ۲۰
 انتقام ۵۳۶
 انجمن ایران و امریکا ۳۱۶، ۲۵۸
 انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی ۵۰۲، ۵۰۴
 انجمن فرهنگی ایران - آلمان ←
 انستیتو گوته
 انجیل ۴۷۲
 اندوه بزرگ زیستن ۱۸۲
 اندیشه ۴۲
 اندیشه و هنر ۲۵۸، ۱۵۲
 انزایی‌نژاد، رضا ۴۶۰
 انسان شیشه‌نی ۱۴۵، ۱۴۴، ۱۱۱، ۴۱
 انستیتو گوته ۳۱۷، ۳۱۶، ۱۳
 ۲۷۲-۳۷۴، ۴۵۱، ۵۰۲-۵۰۴
 ۵۱۹، ۵۲۶، ۵۳۹
 انصاری، هوشنگ ۱۳
 انقلابیون جنگل ۴
 انگل ۵۲۱
 انگلستان ۱۱